

ابوالفضل گرمابی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» و با هشدار بروز موج تورمی دیگر:

سود بانکداران در گرو ناترازی بانکی است



رامین موقی

تملك دارایی، و گسترش نفوذ گروه‌های اقتصادی تبدیل شده است.

در چنین ساختاری، اعتبار بانکی لزوماً به گسترش ظرفیت تولیدی و بازتولید سرمایه اجتماعی منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند در اصلاح، پروژه‌های بزرگ و دارایی‌های مالی متمرکز شود و از طریق اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط، پیوند میان قدرت بانکی و تمرکز مالکیت را بازتولید کند. پس مسئله صرفاً تخصیص نادرست منابع نیست بلکه موضوع اصلی‌را باید در یک رابطه اجتماعی دید که این رابطه اجتماعی، تعیین می‌کند که اولاً چه گروه‌هایی به خلق اعتبار دسترسی داشته باشند؛ ثانیاً این اعتبار چگونه به تملك دارایی و کسب درآمد تبدیل شود و ثالثاً، در صورت ناکامی در تحقق سود مورد انتظار، چه کسانی هزینه زیان را تحمل کنند؟

ناترازی هنگامی شکل می‌گیرد و به بحران تبدیل می‌شود که مطالبات مالی انباشته‌شده دیگر از محل درآمد و ارزش تحقق‌یافته فعالیت‌های اقتصادی قابل تسویه نباشد. بانک‌ها در مقابل سپرده‌ها و تعهدات نقدی خود مطالباتی دارند که ممکن است در پروژه‌های بلندمدت، املاک یا در تسهیلات اختصاص یافته به اشخاص، زمان فساد قفل شده باشد. در این وضعیت، تعهدات پرداختی و هزینه تامین منابع ادامه پیدا می‌کند و بانک برای حفظ جریان پرداخت‌ها، به جذب سپرده، اعتبار جدید و اضافه برداشت از بانک مرکزی وابسته می‌شود.

رسیدن اضافه برداشت بانک‌ها به ۹۰۰ هزار میلیارد تومان در آبان ۱۴۰۴، قبل از ادغام بانک آینده، در همین بستر اتفاق افتاد. این تضاد در گسترش مطالبات مالی و توان تحقق سود در فرآیندهای ادغام بانکی نیز آشکارتر می‌شود. انتقال بانک‌های وابسته به نهادهای نظامی به بانک سپه، همراه با تجميع دارایی‌ها و بدهی‌ها، یا واگذاری دارایی‌های غیر نقدشونده بانک آینده به صندوق ضمانت سپرده‌ها برای ارزش‌گذاری و فروش، نشان می‌دهد که مسئله ناترازی با حذف نام یک بانک و انتقال دارایی‌های آن پایان نمی‌یابد.

اگر چه با ادغام بانک آینده در بانک ملی، شاهد کاهش اضافه برداشت‌ها و رسیدن آن به مبلغ حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بودیم.

بنابر این در صورت صحیح ناترازی در زمان حل کردن مسئله ناترازی بانک‌های ناسالم، میسر می‌شود. مثلاً در مورد بانک آینده، ایفای تعهدات از محل فروش دارایی‌هایی مانند «ایران مال»، به‌ارزش قابل تحقق، زمان فروش و وجود خریدار وابسته است. باید مشخص شود که اگر منابع حاصل برای تسویه تعهدات کافی نباشد، زیان‌های بر دوش چه نهادی قرار می‌گیرد و آیا بخشی از آن به ترازنامه نهادهای عمومی منتقل می‌شود یا خیر؟ این فرآیند را می‌توانیم در پیوند با قدرت بانکی و تمرکز سرمایه به تحلیل کنیم. مسئله محوری اینست که چگونه اعتبار و خلق پول امکان گسترش مطالبات مالی و

انتقال بانک‌های وابسته به نهادهای نظامی به بانک سپه، همراه با تجميع دارایی‌ها و بدهی‌ها، یا واگذاری دارایی‌های غیر نقدشونده بانک آینده به صندوق ضمانت سپرده‌ها برای ارزش‌گذاری و فروش، نشان می‌دهد که مسئله ناترازی با حذف نام یک بانک و انتقال دارایی‌های آن پایان نمی‌یابد

کارشناس و تحلیلگر ارشد اقتصادسیاسی: ناترازی بانک‌ها و استقرار مداوم از بانک مرکزی، در قالب اضافه برداشت، زمینه‌ساز موج تورمی به واسطه بحران بانکی است و این بحران یعنی «تجماع شدن زیان خصوصی»! بانک‌ها زیان خصوصی خلق می‌کنند اما این زیان را به جامعه منتقل می‌کنند و آن را به قیمت شریک کردن اجتماع در زیان، مرتفع می‌سازند!

بانک‌ها را هم زیر سوال برده است، خود بانک‌ها فرآیندی را ایجاد کرده‌اند که در آن، اقتصاد ایران به جای تولید ارزش واقعی، در حلقه گردش درجا می‌زند و این موضوع خود را در تلاش تمام عوامل اقتصادی برای کسب سود مالی نشان می‌دهد. این موضوع تولید را به حاشیه برده و به بیان اقتصادسیاسی، استخراج ارزش اضافی را متوقف کرده است. این مکانیسم یک اصل حاکم بر منطق سرمایه است زیرا بانک‌ها دیگر به دنبال سودآوری پایدار از محل تسهیل چرخش نقدینگی در تولید نیستند.

تعیین می‌کند که مطالبات گفته شده، باید میان سودهای ثبت شده در صورت‌های مالی، جریان نقدی واقعا وصول شده، و همچنین ارزش اقتصادی قابل بازپایی دارایی‌ها، تمایز قابل شویم. در شرایطی که بخشی از دارایی‌های میان سودهای ثابت شده در صورت‌های مالی، جریان نقدی واقعا وصول شده، و همچنین ارزش اقتصادی قابل بازپایی دارایی‌ها، تمایز قابل شویم.

ناترازی بانک صرفاً یک اختلال در ترازنامه نیست بلکه باید پرسید چه کسانی از دارایی و اعتبار بانک منتفع شده‌اند و حال اگر فروش دارایی بانک‌ها برای تسویه بدهی کافی نباشد، چه کسانی هزینه باقی‌مانده را پرداخت می‌کنند؟

تاریخ بانکداری نشان می‌دهد که شکل‌گیری بانک در سرمایه‌داری مدرن با تنزیل برات‌های تجاری و اعطای اعتبار به صنعت‌گران و تاجران، پیوند خورده است. یعنی هدف بانکداری، روان‌سازی نقدینگی برای دورپیمایی سرمایه بود.

است و در ابتدا، بانک‌ها بخشی از سود سرمایه‌داران را کسب می‌کردند اما اکنون وضعیت به جایی رسیده است که بانک‌ها به جای این کار کرد اولیه خود، به کسب سود مالی مشغولند.

ساز و کار ارائه صورت حساب سودآور بانک‌های ناتراز را می‌توان در ۵ دسته خلاصه کرد: در ابتدا بانک‌ها می‌توانند شناسایی درآمد و سود را پیش از وصول نقدی انجام دهند. در مرحله دوم می‌توانند ذخیره‌گیری ناکافی یا برآورد خوشبینانه از احتمال وصول مطالبات و ارزش وثیقه‌ها داشته باشند. سوم اینکه می‌توانند با تمرکز تسهیلات در دست اشخاص مرتبط و با تجدید ساختار بدهی‌هایی که بازپرداخت واقعی آن‌ها با مشکل مواجه است، صورت حساب سودآور ارائه دهند. مسیر چهارم با اتکا به درآمد‌های حاصل از فروش دارایی‌ها یا افزایش ارزش دفتری املاک و سایر دارایی‌ها، میسر می‌شود. مسیر پنجم هم مرتبط با تجدید ساختار یا به تعویق انداختن شناسایی زیان در فرآیند ادغام بانکی است.

بانک‌ها ممکن است با شیوه‌های حسابداری، صورت حساب‌های سودآور عرضه کنند اما از منظر اقتصادسیاسی، سودآوری بانک‌ها را نمی‌توان صرفاً با سازوکار حسابداری توضیح دهیم و در این میان باید مناسبات مالکیت، قدرت تخصیص اعتبار و توزیع نهایی ریسک و زیان را مورد بررسی قرار داد. اعتبار بانکی

می‌تواند قدرت خرید و امکان تملك دارایی را گسترش بدهد اما مطالبات مالی ناشی از آن، به‌خودی‌خود تضمین‌کننده تحقق ارزش و درآمد کافی در آینده نیست.

هنگامی که اعتبار در دست گروه‌های محدود اقتصادی یا پروژه‌های بزرگ متمرکز شود و درآمد مورد انتظار تحقق پیدا نکند، ممکن است منافع گسترش اعتبار، نصیب مالکان و بهره‌مندان از منابع بانکی شود در صورتی که احتمال دارد هزینه بحران از محل کاهش سرمایه بانک، یا تامین مالی اضطراری و یا تزریق منابع عمومی بین گروه‌های مختلف اجتماع، تأمین شده باشد!

پرسش نهایی تنها این نیست که چرا بانک‌ها صورت‌های سودآور عرضه کرده‌اند بلکه موضوع اصلی اینست که این سود تا چه میزان تحقق یافته و پایدار مانده است؟ همچنین باید پرسید این اعتبار در خدمت کدام مناسبات مالکیت و انباشت قرار گرفته است و در صورت تحقق نیافتن ارزش مورد انتظار، زیان آن بر دوش چه کسانی قرار می‌گیرد؟ همچنین باید توجه داشت که بانک‌ها به لطف دارایی‌هایی موهوم و مسموم، و در سایه بی‌عملی بانک مرکزی، صورت‌های مالی خود را در پایان سال مالی تراز می‌کنند.

منافع حاصل از اعتبار در اختیار گروه‌های مشخصی قرار می‌گیرد برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که بانک‌ها از این ناترازی منتفع می‌شوند و از این فاجعه، برای خود فرصت‌های جدیدی خلق می‌کنند. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

بله بانک‌ها از این ناترازی منتفع می‌شود اما باید آن را مورد بررسی دقیق قرار داد.

ناترازی به‌خودی‌خود منبع سود نیست ولی برخی سازوکارهای ایجادکننده یا تداوم‌بخش ناترازی، منافع برای مالکان، مدیران یا گروه‌های اقتصادی مرتبط با بانک‌ها ایجاد می‌کنند در صورتی که بخشی از هزینه‌ها به نهادهای دیگر منتقل نشده است. برای تحلیل این مسئله باید میان سود خود بانک، منافع اشخاص بر خوردار از اعتبارات بانکی و همچنین، سودی که از محل تملك دارایی‌ها حاصل می‌شود، تفاوت قائل شد.

بانک می‌تواند از طریق گسترش اعتبار و تمرکز تسهیلات به بنگاه‌ها و اشخاص مرتبط، امکان دسترسی این گروه‌ها را به منابع مالی فراهم کند و اگر این اعتبار به خرید زمین، ساخت‌وساز یا دیگر دارایی‌ها اختصاص پیدا کند، دریافت‌کننده اعتبار می‌تواند از افزایش قیمت دارایی با منافع اقتصادی پروژه بهره‌مند شود؛ حتی اگر بازدهی پروژه برای بازپرداخت کامل بدهی کافی نباشد.

در چنین وضعیتی منفعت اقتصادی دریافت‌کننده اعتبار الزاماً معادل سود حسابداری بانکی نیست. بانک ممکن است در ابتدا سود ثبت کند اما در آینده اتفاق بازافت افتاده است. برای مثال از نرخ ارز ارزش دارایی‌های وثیقه‌شده و بهره‌ر شود. همچنین در شرایطی مشخص، ناترازی می‌تواند به سازوکاری برای به تعویق انداختن شناسایی زیان و حفظ ظاهری سودآوری تبدیل شود. تعدید و امهال مکرر تسهیلات، بازتنظیم بدهی، شناسایی درآمد‌های وصول نشده در حدود مجاز استانداردهای حسابداری یا ذخیره‌گیری ناکافی، می‌تواند فاصله‌ی میان وضعیت گزارش‌شده با کیفیت واقعی دارایی‌ها را افزایش دهد.

مسئله تعیین‌کننده در اقتصادسیاسی ناترازی، توزیع نامتقارن منافع و زیان‌هاست. منافع حاصل از اعتبار در اختیار گروه‌های مشخصی قرار می‌گیرد اما اگر هنگام بحران، بخشی از هزینه‌این ناترازی از طریق تزریق سرمایه، حمایت نقدی، ادغام بانکی یا سازوکارهای انتقال به نهادهای عمومی، تأمین شود، به اجتماعی شدن این بحران می‌انجامد.

ناترازی بانک‌ها یعنی «تجماعی شدن زیان خصوصی» خود شما هم به اجتماعی شدن بحران ناترازی بانکی اشاره کردید و همانطور که مستحضرید، تورم همواره یکی از راهکارهای انتقال بحران به مردم و ربايش قدرت

بانک‌ها فرآیندی را ایجاد کرده‌اند که در آن، اقتصاد ایران به جای تولید ارزش واقعی، در حلقه گردش درجای زندگی و این موضوع خود را در تلاش تمام عوامل اقتصادی برای کسب سود مالی نشان می‌دهد. این موضوع تولید را به حاشیه برده و به بیان اقتصادسیاسی، استخراج ارزش اضافی را متوقف کرده است

ناترازی به‌خودی‌خود منبع سود نیست ولی برخی سازوکارهای ایجادکننده یا تداوم‌بخش ناترازی، منافع برای مالکان، مدیران یا گروه‌های اقتصادی مرتبط با بانک‌ها ایجاد می‌کنند در صورتی که بخشی از هزینه‌ها به نهادهای دیگر منتقل شده است اما مسئله تعیین‌کننده در اقتصادسیاسی ناترازی، توزیع نامتقارن منافع و زیان‌هاست

خريد آن‌هاست. آیا اکنون احتمال می‌دهید که ناترازی بانک‌ها در آینده، به یک بحران تورمی دیگر تبدیل شود؟

ناترازی بانک‌ها را باید با د نظر گرفتن ارتباط میان خلق اعتبار، تعهدات پولی و دشواری تحقق ارزش در اقتصاد بررسی کرد. بانک‌ها با اعطای اعتبار، سپرده و قدرت خرید ایجاد می‌کنند بنابر این خلق پول، صرفاً نتیجه ورود پیشینی پس‌انداز‌ها به نظام بانکی نیست بلکه در فرآیند اعتباردهی و پاسخگویی بانک‌ها به تقاضای اعتبار، شکل می‌گیرد.

مسئله زمانی بحرانی می‌شود که این اعتبارات به مطالباتی تبدیل شوند که در اقتصاد، درآمد و ارزش کافی برای بازپرداخت آن‌ها وجود نداشته باشد. در این وضعیت، استقرار از بانک مرکزی می‌تواند امکان تداوم پرداخت‌ها و بقای موقت را فراهم کند اما شکاف میان مطالبات و تعهدات پولی را بر طرف نمی‌کند. در نتیجه ناترازی بانکی صرفاً نتیجه کمبود ذخایر یا اختلالات حسابداری نیست بلکه نشانه‌ای از

گسترش مطالبات مالی، فراتر از توان تحقق ارزش در اقتصاد است. در این شرایط، خرد تورمی صرفاً به بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی مرتبط نیست بلکه مسئله اصلی در نحوه تداوم و تسویه این رابطه اعتباری، نهفته است که می‌تواند پیامدهایی برای خلق پول و توزیع قدرت خرید، به همراه داشته باشد.

اگر بانک‌های ناتراز برای حفظ پرداخت‌ها، به‌طور مکرر به بانک مرکزی متکی باشند و هم‌زمان از طریق جذب سپرده و اعطای اعتبار جدید به فعالیت خود ادامه دهند، مطالبات پولی می‌تواند مستقل از تولید و درآمد واقعی رشد کرد. برای مثال از سال ۱۳۸۰ تاکنون، حجم نقدینگی کشور ۶۰۰ برابر شده اما در همین مدت ۲۵ ساله، تولید کالاها و خدمات واقعی کشور، با قیمت ثابت، تنها ۲ برابر شده است. مقایسه این فاصله را باید در همین چارچوب تحلیل کنیم. اگر فرآیند تقاضا برای کالاها، دارایی‌ها و افزایش پيدا کنند، اما در طرف مقابل محدودیت‌هایی برای عرضه وجود داشته باشد یا انتظارات دچار بی‌ثباتی شوند، این شرایط می‌تواند به موج تورمی و کاهش ارزش پول ملی منجر شود که دقیقاً همین اتفاق بازافت افتاده است. برای مثال از نرخ ارز ۷۰۰ تومانی در سال ۱۳۸۰، به دلار ۲۷۰ هزار تومانی در سال جاری رسیده‌ام!

همچنین باید به اضافه برداشت بانک‌ها اشاره کنیم؛ پرسش اصلی اینست که این تعهدات چگونه تسویه می‌شود؟ چه میزان از این تعهدات قرارست با وصول واقعی مطالبات و فروش دارایی‌هایی مانند ایران مال، پوشش داده شود و چه بخشی ممکن است به خلق اعتبار جدید و منابع عمومی وابسته بماند؟

به‌رحال نزدیک به ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اضافه برداشت از بانک مرکزی نمی‌تواند حذف شود؛ طبق خود آمار بانک مرکزی، اضافه برداشت بانک‌ها، قبل از ادغام بانک آینده به ۹۰۰ همت رسیده بود اما همین رقم پس از ادغام بانک آینده، به ۲۰۰ همت کاهش یافت. ادعا می‌شود که باقی‌مانده این اضافه برداشت به صندوق ضمانت سپرده‌ها منتقل شده است تا با فروش ایران مال آن را تأمین کنند در صورتی که دیگر همگان می‌دانیم ایران مال یک دارایی غیر نقدشونده است و نمی‌تواند این زیان را بر طرف کند. بنابراین احتمال دارد که این اضافه برداشت به یک زیان اجتماعی، از طریق خلق پول به وسیله بانک مرکزی، تبدیل شود.

از منظر اقتصادسیاسی خطر بحران هنگامی عمیق‌تر می‌شود که زیان‌های ناشی از تخصیص اعتبار و انباشت مطالبات غیر قابل وصول، به دوره‌های آتی منتقل شود. اگر این فرآیند با تأمین مالی مکرر و گسترش مطالبات پولی همراه شود، هم می‌تواند فشار تورمی را تشدید کند و هم اینکه اعتماد به پول ملی را ضعیف‌تر کند.

ناترازی بانک‌ها و استقرار مداوم از بانک مرکزی، در قالب اضافه برداشت، زمینه‌ساز موج تورمی به واسطه بحران بانکی است و این بحران یعنی «تجماعی شدن زیان خصوصی»! بانک‌ها زیان خصوصی خلق می‌کنند اما این زیان را به جامعه منتقل می‌کنند و آن را به قیمت شریک کردن اجتماع در زیان، مرتفع می‌سازند!

خبر اقتصادی

هر ماه توقف صادرات نفت، ۱۰ هزار تومان روی قیمت دلار می‌گذارد



موج قیمتی اخیر دلار که تا ارتفاع ۲۷۰ هزار تومان نیز بالا رفت، جنجال‌های سیاسی و اقتصادی تازه‌ای را به پا کرده است. منتقدان عموماً به دیوار بانک مرکزی سنگ می‌زنند و این نهاد را در رشد قیمت دلار مقصر می‌دانند، در حالی که کارشناسان اقتصادی معتقدند اصلی‌ترین ریشه این جهش قیمتی جنگ و پیامدهای آن است. به گزارش تجارت‌نیوز، می‌توان دلایل اصلی جهش ارزی اخیر را به‌طور خلاصه در مواردی مانند محدودیت صادرات نفت و تولیدات ارزآور، ترس مردم و فعالان اقتصادی نسبت به آینده، رشد تورم و تقویت انتظارات تورمی، سسرت بالای چرخش پول در بازارها و حتی اثر گذاری فضای مجازی بر قیمت‌ها و داغ شدن هیجانی بازار ارز جست‌وجو کرد. لازم به تأکید است، هر ماه توقف صادرات نفت به‌سازگی ۱۰ هزار تومان قیمت دلار را بالا می‌برد.

■ ■ ■

رئیس سازمان توسعه تجارت: ۳۴ درصد تجارت به دلیل محاصره دریایی از دست رفت



رئیس کل سازمان توسعه تجارت با اشاره به اینکه ۷۵ درصد وزن تجارت خارجی از طریق دریا بوده است، گفت: عمده این ۷۵ درصد از طریق خلیج فارس و دریای عمان بوده، بنابراین نقشه دشمنان از محاصره بنادر این بود که ۷۵ درصد تجارت خارجی را تحت الشعاع قرار دهند. ولی آمار ۶ ماهه تجارت نشان می‌دهد که از لحاظ وزنی ۲۴ درصد تجارت را از دست دادیم. به گزارش ایلنا، محمدعلی دهقان دهنوی در نشست خبری سی‌امین دوره آیین روز ملی صادرات، به افت ۲۰ درصدی ارزش تجارت در ۶ ماهه امسال اشاره کرد.

■ ■ ■

یک کارشناس عنوان کرد: کسری روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز

یک کارشناس حوزه انرژی با اشاره به احتمال کسری روزانه ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز در روز مصرف زمستانی، استفاده از سوخت مایع در نیروگاه‌ها، مدیریت مصرف در انتهای خطوط لوله و کاهش سساعات کاری ادارات را سه راهکار فوری برای مهار ناترازی گاز و جلوگیری از قطع گاز صنایع عنوان کرد. به گزارش ایرنا، علیرضا سلطان‌ی با بیان اینکه امسال ناترازی گاز در کشور به دلیل آسیب‌های جنگ تحمیلی اخیر تشدید شده است، گفت: در پی آسیب‌های ناشی از جنگ ۴۰ روزه به بخشی از پالایشگاه‌های گازی پارس جنوبی، طبق اعلام مسئولان ذی‌ربط، روزانه حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز از مدار تولید خارج شد و تجميع این رقم با ناترازی ۲۰۰ میلیون مترمکعبی ستوات گذشته، پتانسیل جهش کسری گاز در ایام اوج مصرف زمستان را تا مرز ۴۳۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش داده است.

■ ■ ■

اختلال سامانه «دولت من»، ثبت نام کالابرگ را عقب انداخت

اختلال سامانه دولت من، روند ثبت درخواست افزایش اعتبار کالابرگ را تغییر داده؛ ثبت نام متقاضیان به ماه آینده موکول شده و افزایش ۵۰۰ هزار تومانی مهر برای حدود ۴۰ میلیون نفر شناسایی شده، بدون ثبت نام انجام می‌شود. به گزارش اکوایران، طبق گزارش منتشرشده، فرآیند ثبت نام متقاضیان با توجه به ماه آینده موکول شده است؛ با این حال، زمان دقیق آغاز ثبت نام و جزئیات اجرایی آن باید به‌صورت رسمی اعلام شود. این موضوع برای خانوارهایی اهمیت دارد که در مهلت اولیه موفق به تکمیل فرم خوداظهاری نشده‌اند یا به دلیل اختلال سامانه نتوانسته‌اند درخواست خود را ثبت کنند.

■ ■ ■

معاون وزارت نیرو: محدودیت برقی صنایع کاهش یافت

معاون برق و انرژی وزارت نیرو از حذف کامل محدودیت‌های صنایع محدودیت‌های صنایع کوچک و تولیدکنندگان خرد خبر داد. به گزارش تسنیم، مصطفی رجبی مشهدی در این خصوص، توضیح داد: در راستای حمایت از تولیدکنندگان خرد و متوسط، مقر گردید برق تمامی شهرک‌های صنعتی و صنایع با دیماندا زیر ۲ مگاوات، توسط شرکت‌های توزیع نیروی برق به‌صورت کامل و بدون اعلان هیچ‌گونه محدودیتی تأمین گرد تا روند تولید در این واحدها خللی نداشته باشد. صنایع بالای ۲ مگاوات که مشترک شرکت‌های توزیع برق هستند و همچنین صنایع فلزی (مس)، آلومینیوم، فولاد و فروآلیاژ) و صنایع پتروشیمی که مشترک شرکت‌های توزیع برق منطقه‌ای محسوب می‌شوند، می‌توانند در بازه زمانی ساعت ۲۲ شب الی ۱۰ صبح، برق مورد نیاز خود را بدون محدودیت تأمین نمایند.

■ ■ ■

نایب رئیس اتحادیه املاک مطرح کرد: تعدد سامانه‌ها؛ دلیل اختلال در ثبت قرارداد مسکن



نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک تعدد سامانه‌های ثبت قرارداد و نبود هماهنگی میان آنها را عامل اصلی این مشکل دانست. به گزارش تجارت‌نیوز، داود بیگی نژاد درباره این مشکل، گفت: قراردادهایی که در سامانه‌های رسمی ثبت می‌شوند، باید در فرآیندهای مرتبط نیز قابلیت پذیرش داشته باشند؛ وقتی قرارداد در یک سامانه ثبت می‌شود اما در فرآیند دریافت تسهیلات مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، متقاضیان با مشکل مواجه می‌شوند. پیش از راه‌اندازی سامانه‌های کاتب و خودنویس، سامانه املاک و مستغلات در این حوزه فعالیت می‌کرد. اکنون نیز وزارت راه و شهرسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در فرآیند ثبت قراردادها نقش دارند. این وضعیت، ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های متولی و تعیین یک مرجع مشخص برای پاسخ‌گویی را افزایش می‌دهد.